

توسعه فرهنگی در بستر نظام‌های آموزشی

نویسندگان:

دکتر محمدرضا اردلان

(عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا)

دکتر میروس قنبری

(عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا)

کاظم منافی شرف آبادی

(دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی)

انتشارات دانشگاه بوعلی سینا

۱۳۹۵

اردلان، محمدرضا	HM
توسعه فرهنگی در بستر نظام های آموزشی/محمد رضا اردلان، سیروس قنبری.-	۶۲۱
همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا ۱۳۹۵	
۱۹۸ ص.	م ۴ الف/
شابک: ۵-۱۹۴-۱۲۸-۶۰۰-۹۷۸	۱۳۹۵
۱. مدیریت فرهنگی- برنامه ریزی آموزشی. الف. سیروس قنبری. ب. عنوان.	
۳۰۶	

عنوان:	توسعه فرهنگی در بستر نظام های آموزشی
نویسندگان:	دکتر محمد رضا اردلان، دکتر سیروس قنبری، کاظم منافی شرف آبادی
ناشر:	مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا
چاپخانه:	چاپخانه
صفحه و قطع:	۱۹۸ زیر
نوبت چاپ:	اول
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
قیمت:	۱۱۰۰۰ تومان
تاریخ انتشار:	۱۳۹۵
شابک:	۵-۱۹۴-۱۲۸-۶۰۰-۹۷۸
شماره کتاب:	۳۱۵- الف

کلیه حقوق مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا محفوظ است

مراکز فروش در همدان: ۱- دانشگاه بوعلی سینا، مرکز نشر تلفکس: ۲۷۶ ۱۲۹ ۰۸

۲. خیابان شهید حسین فهمیده، روبروی پارک مردم، فروشگاه مرکز نشر

۳. خیابان مهدیه روبروی خانه معلم- انتشارات دانشجو

نمایندگی فروش در تهران: ۱. مؤسسه کتاب ایران، میدان انقلاب، خیابان لبافی نژاد غربی (بعد از چهار راه کارگر جنوبی)، بعد از

فروشگاه شیلات، پلاک ۲۳۷، تلفن: ۶۶۴۲۳۴۱۶-۶۶۴۲۶۶۸۷

۲. نورپردازان میدان انقلاب، خیابان لبافی نژاد، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، پلاک ۲۰۶، تلفن: ۶۶۴۱۱۱۷۳-۶۶۴۹۴۴۰۹

پیشگفتار.....	أ
فصل اول: مبانی نظری مفهوم فرهنگ.....	۱
مقدمه.....	۱
سیر تاریخی واژه‌ی فرهنگ.....	۲
مفهوم نظری فرهنگ.....	۳
تعریف اصطلاحی فرهنگ.....	۵
وجه تمایز تمدن و فرهنگ.....	۷
دیدگاه صاحب‌نظران در تعریف فرهنگ.....	۹
دیدگاه صاحب‌نظران داخلی.....	۱۰
دیدگاه صاحب‌نظران خارجی.....	۱۴
ویژگی‌های عام فرهنگ.....	۲۵
طبقه‌بندی اقسام فرهنگ از دید صاحب‌نظران.....	۲۸
الف) فرهنگ مادی و معنوی.....	۲۸
ب) فرهنگ پیرو و پیشرو.....	۳۰
ج) فرهنگ فردی، ملی و جهانی.....	۳۰
د) فرهنگ عمومی، اختصاصی و متغیبات.....	۳۱
ه) فرهنگ بنیادی، تخصصی و عمومی.....	۳۲
عناصر شاخص فرهنگ.....	۳۲
تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری شخصیت.....	۳۵
جایگاه فرهنگ در تعالی جامعه.....	۳۸
فصل دوم: نظریه‌های جامعه‌شناختی فرهنگ.....	۴۳
مقدمه.....	۴۳
رویکردهای فرهنگ.....	۴۳
نظریه‌ی کارکردگرایی.....	۴۶
امیل دورکیم.....	۴۷
تالکوت پارسونز.....	۴۹
نظریه‌ی تضادگرایی.....	۵۱
کارل مارکس.....	۵۲
لونی آلتوسر.....	۵۳

۵۶	آنتونیو گرامشی
۵۸	ماکس وبر
۵۹	نظریه‌ی تضاد وبری نوین راندال کالینز
۶۰	مکتب فرانکفورت
۶۲	نظریه‌های بازتولید فرهنگی
۶۵	نظریه‌ی الگوی زبان و پیشرفت فرهنگی باسیل برنشتاین
۶۸	نظریه‌ی موقعیت طبقاتی ریمون بودون
۷۰	نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی پیر بوردیو
۷۴	نظریه‌های اندیشه‌ی فرهنگی
۷۴	نظریه‌ی کنش فرهنگی پائولو فریره
۷۸	نظریه‌ی مدرجه‌زدایی از جامعه ایوان ایلچ
۸۱	نظریه‌ی مقاومت هنری زیر
۸۵	فصل سوم: تغییر، توسعه و مهندسی فرهنگی
۸۵	مقدمه
۸۶	هویت فرهنگی
۸۸	تغییر فرهنگی
۹۳	الگوهای تغییر فرهنگی
۹۵	توسعه‌ی فرهنگی
۱۰۰	مهندسی فرهنگی
۱۰۳	پیش‌فرض‌های مهندسی فرهنگی
۱۰۴	تأثیر مهندسی فرهنگی بر توسعه فرهنگی جامعه
۱۰۷	فصل چهارم: توسعه فرهنگی در بستر نظام آموزش و پرورش
۱۰۷	مقدمه
۱۰۹	رسالت‌های فرهنگی نظام آموزش و پرورش در جامعه
۱۱۴	آموزش و پرورش و انتقال فرهنگ جامعه
۱۱۸	آموزش و پرورش و ارزش‌سنجی میراث فرهنگی
۱۲۰	آموزش و پرورش و توسعه فرهنگی جامعه
۱۲۴	نقش‌های راهبردی نظام آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی جامعه
۱۲۹	فصل پنجم: توسعه فرهنگی در بستر نظام آموزش عالی
۱۲۹	مقدمه
۱۳۱	جایگاه فرهنگ در آموزش عالی

۱۳۱	ماهیت فرهنگ دانشگاهی
۱۴۱	انواع مطالعات فرهنگی در نظام آموزش عالی
۱۴۵	رسالت‌های فرهنگی نظام آموزش عالی در جامعه
۱۵۰	نقش نظام آموزش عالی در توسعه فرهنگی جامعه
۱۵۳	فلسفه‌ی انقلاب فرهنگی دانشگاه در مهندسی فرهنگی جامعه
۱۵۶	نقش‌های راهبردی آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه
۱۵۸	چالش‌های نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه
۱۶۳	راهکارهای نظام آموزش عالی در تحقق بخشی مهندسی فرهنگی جامعه
۱۶۷	فهرست منابع
۱۶۷	منابع فارسی
۱۸۳	منابع لاتین

پیشگفتار

فرهنگ تعیین‌کننده‌ی رفتار، پندار و کردار انسان و روش درک او از جهانی است که در آن زندگی می‌کند. فرهنگ توصیف‌کننده‌ی مفهومی اخلاقی و ارزشی بوده و به عنوان معیار صحیح یا ناصحیح اعمال مردم جوامع و گروه‌ها و عامل مشترک آن‌ها در تعیین و تبیین رفتارها و تشخیص چیزهای خوب و بد به حساب می‌آید. بنابراین، فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مشترک بین اعضای هر جامعه است که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر، منتقل می‌شود. فرهنگ، امری ذاتی و انتسابی نیست که در هنگام تولد به فرد تحویل داده شده و نیاز به آموختن نداشته باشد بلکه امری اکتسابی است که به وسیله‌ی محیط اجتماعی از جمله: خانواده، همسالان، دوستان، نظام‌های آموزشی، رسانه‌های جمعی و غیره به وی انتقال داده می‌شود. تا با فراگیری و درونی کردن آن، راه و روش زندگی اجتماعی مطلوب جامعه‌ی خود را فراگرفته و با چاره‌ی به کلیه‌ی رفتارها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود، زمینه‌ی رشد و تعالی وی فراهم شود و در نهایت بشر به سوی کمال معنوی و رفتار انسانی سوق یابد.

در جهان کنونی، توسعه باید از به عنوان ضرورتی بنیادین در زندگی اجتماعی، مورد توجه اکثر جوامع واقع شده و همه کشورها تا با اتخاذ تدابیر متناسب به طراحی و اجرای نظام توسعه‌ای خود، همت گمارند. در این نوع توسعه، باید به تمامی عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سایر وجوه و ابعاد زندگی توجه نمود؛ زیرا هر کدام از آن‌ها نقشی حساس در امر توسعه ایفا خواهند نمود. در واقع، توسعه پایدار، کاری تلاش‌ها در جهت حرکت پویای جامعه به سمت تحقق عادلانه و منظم، شرایط عمومی مطالب زندگی برای همگان در کلیه‌ی ابعاد مادی و معنوی است. توسعه پایدار، ضمن آن‌که توزیع عادلانه و هماهنگ امکانات، درآمد و رفح نیازمندی‌های عمومی و رفاهی را مدنظر دارد شامل توزیع رفح وسیع اخلاق، روش و منش متعالی در همه‌ی سازوکارها و تعاملات اجتماعی نیز هست. اگرچه روی‌زایی که تقلیدی نبوده و لازم است به طور متوازن در همه‌ی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به طور جامع و توأمان محقق شود تا پیشرفت اجتماعی پویا، بیش از پیش تحقق گردد. از این‌رو، حرکت مطلوب و دست‌یابی قطعی به توسعه پایدار، نیازمند استقرار زیرساخت‌های فرهنگی خاصی است که بدون توجه به آن، تحقق توسعه، کاری مشکل و حتی غیرممکن خواهد بود. بنابراین، توسعه در همه‌ی شئون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی یک جامعه، متکی به فرهنگ آن جامعه است و تا زمانی که فرهنگ جامعه‌ای موافق با توسعه و پیشرفت نباشد، پیشرفت آن جامعه میسر نخواهد بود. لذا برای دست‌یابی به توسعه در ابعاد گوناگون، باید به اصلاح فرهنگ در جهت توافق آن با توسعه همت گماشت.

توسعه فرهنگی به دنبال توسعه بخشیدن به فرهنگ جامعه است و البته این امر، مستلزم برخورداری از رویکردی فرهنگی نسبت به توسعه است. مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر: قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی، اخلاقی و معنوی برای همه‌ی افراد جامعه است. در رویکرد توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و داشتن انسان‌های پویا، سرزنده، آگاه و درست‌کردار از اهداف اولیه است. تأمین سرمایه‌های فکری و فرهنگی برای شکوفایی و توسعه جامعه در ابعاد مختلف از طریق آموزش میسر است؛ چرا که آموزش فرآیند ساختن و پروراندن انسان است. با آموزش تغییر در ابعاد دانش، نگرش و توانایی انسان‌ها میسر می‌گردد و از سوی دیگر، آموزش عنصر اصلی توسعه نیروی انسانی است.

بر این اساس، در توسعه فرهنگی پایه‌گذاری آن، نظام‌های آموزشی نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کنند. نظام‌های آموزشی، خرده‌نظام‌ها در نظام کلان اجتماعی هستند که از محیط‌های پیرامونی، تأثیر می‌پذیرند. هیچ یک از نظام‌ها، اجتماعی به اندازه‌ی نظام‌های آموزشی با تحول اجتماعی و فرهنگی پیوستگی ندارند زیرا این نظام‌ها با انسان و تعلیم و تربیت او سروکار داشته و بی‌شک، هیچ تحولی بدون علوم و فنون، مستی نخواهد شد. مراکز آموزش عالی نیز به مثابه‌ی پیشتازان و پیش‌قراولان حرکت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع به عنوان دستگاه‌های فرهنگی که برای ارتقای سطح دانش و مهارت‌های تخصصی و کاربردی جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص، تولید و غنابخشی به دانش و فرهنگ کشور، ته‌پیل و تسریع فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، هدایت و راهبری مشارکت نیروی مردم در اداره‌ی جامعه و برقراری روابط علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان تلاش می‌کنند، جوامع دانش‌محور، پیشگام توسعه فرهنگی به شمار می‌آیند. آموزش و تحصیل در سطح عالی منجر به ارتقای بلوغ شخصیتی و اجتماعی افراد، احترام به حقوق بشر، آزادی‌های انسانی، گسترش صلح، عدالت و برابری اجتماعی، افزایش مشارکت افراد در ساختن جامعه‌ای آزاد، پویا و سالم و به عبارتی دقیق‌تر توسعه فرهنگی می‌گردد.

کتاب حاضر با هدف آشنایی خواننده با مباحث مرتبط با فرهنگ و توسعه‌ی آن در بستر نظام‌های آموزشی، حاصل مطالعه و بررسی منابع داخلی و خارجی مرتبط با توسعه فرهنگی است که در آن، مفهوم فرهنگ و دیدگاه‌های مرتبط، نظریه‌های جامعه‌شناختی فرهنگ و دیدگاه‌های نظریه‌پردازان شاخص این حوزه، ماهیت تغییر، توسعه و مهندسی فرهنگی و نهایتاً توسعه فرهنگی در بستر نظام‌های آموزشی، طی پنج فصل به شرح ذیل، تبیین و تدوین شده است:

فصل اول به مبانی نظری مفهوم فرهنگ اختصاص دارد. در این فصل، ابتدا به بررسی سیر تاریخی واژه‌ی فرهنگ، مفهوم نظری فرهنگ، تعریف اصطلاحی فرهنگ، وجه تمایز تمدن و فرهنگ پرداخته شده، و در ادامه نیز دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی در خصوص مفهوم فرهنگ، ویژگی‌های عام فرهنگ، اقسام فرهنگ از دید صاحب‌نظران، عناصر عمده‌ی فرهنگ، رویکردهای فرهنگ، تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری شخصیت و جایگاه فرهنگ بر توسعه جامعه، بحث شده است.

فصل دوم به تبیین نظریه‌های جامعه‌شناختی فرهنگ اختصاص یافته است. در این فصل ابتدا به تبیین نظریه‌ی کارکردگرایی؛ امیل دورکیم و تالکوت پارسونز، نظریه‌ی تضادگرایی؛ کارل مارکس، لوئی آلتوسر، آنتونیو گرامشی و ماکس وبر، نظریه تضاد وبری نوین راندال کالینز، مکتب فرانکفورت، پرداخته شده و در ادامه نیز، نظریه‌های بازتولید فرهنگی؛ نظریه‌ی الگوی زبان و پیشرفت فرهنگی؛ امیل بنیامین، نظریه‌ی موقعیت طبقاتی ریمون بودون، نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی پی‌یر بوردیو، در توجیه قرار گرفته و در نهایت نظریه‌های انتقادی آموزشی- فرهنگی؛ نظریه‌ی کنش فرهنگی هابرماس، نظریه‌ی مدرسه‌زدایی از جامعه ایوان ایلچ و نظریه‌ی مقاومت هنری ژیرو، مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم، تغییر، توسعه و مهندسی فرهنگی را به بحث گذاشته است. در این فصل به بررسی مفهوم هویت فرهنگی، تغییر فرهنگی، الگوهای تغییر فرهنگی، توسعه فرهنگی، مهندسی فرهنگی، پیش‌فرض‌های مهندسی فرهنگی، تأثیر مهندسی فرهنگی بر توسعه فرهنگی جامعه، پرداخته شده است.

فصل چهارم به توسعه فرهنگی در بستر نظام آموزش و پرورش اختصاص دارد. در این فصل پس از پرداختن به رسالت‌های فرهنگی نظام آموزش و پرورش در جامعه، آموزش و پرورش و انتقال فرهنگ جامعه، آموزش و پرورش و ارزش‌سنجی میراث فرهنگی، آموزش و پرورش و توسعه فرهنگی جامعه و نقش‌های نظام آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی جامعه، بحث شده است.

فصل پنجم پیرامون توسعه فرهنگی در بستر نظام آموزش عالی نگاشته شده است. در این فصل پس از پرداختن به جایگاه فرهنگ در نظام آموزش عالی، ماهیت فرهنگ دانشگاهی، انواع مطالعات فرهنگی در نظام آموزش عالی، رسالت‌های فرهنگی نظام آموزش عالی در جامعه، نقش نظام آموزش عالی در توسعه فرهنگی جامعه، جایگاه نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه، نقش‌های راهبردی آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه، و نهایتاً چالش‌ها و راهکارهای مراکز آموزش عالی در تحقق مهندسی فرهنگی جامعه، آورده شده است.

امید است این کتاب برای تمامی پژوهش‌گران، اساتید، معلمان، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان به مقوله‌ی فرهنگ و نظام‌های آموزشی (آموزش و پرورش و آموزش عالی)، مفید و راهگشا باشد. بدون تردید این مجموعه، خالی از نقص و ایراد نبوده و پیشنهادها، انتقادات و راهنمایی‌های سازنده‌ی شما می‌تواند به غنی‌سازی این اثر در چاپ‌های بعدی کمک کند. در این زمینه، می‌توانید نظرات خود را برای مؤلفین به آدرس ardalanmr@yahoo.com ارسال نمایید.

www.ketab.ir